

چاپ

مستطوقه



جو جو مویز

من

مریم مفتاحی

میشی از

از پرفروش ترین های نیویورک تایمز

تو

CC



ketabtala

# من، پیش از تو

جو جو مویز

ترجمه: مریم مفتاحی



سرشناسه	: مویز، جو جو، ۱۹۶۹ م. Moyes, Jojo
عنوان و نام پدیدآور	: من پیش از تو / جو جو مویز؛ ترجمه مریم مفتاحی
مشخصات نشر	: تهران: آموت، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۵۳۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۵-۲۲-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Me before you, c2012.
موضوع	: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: مفتاحی، مریم، ۱۳۲۳-، مترجم
رده‌بندی کنگره	: PR
رده‌بندی دیوپی	: ۸۲۳/۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۲۵۳۶۲



## من، پیش از تو

جو جو مویز  
ترجمه: مریم مفتاحی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲  
چاپ هشتم و هفتم: زمستان ۱۴۰۱  
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

حروفچینی: شهیر / لیتوگرافی و چاپ: ترانه / نمونه خوانی: مینا فرشی احمدی - رکسانا تقوی

مرجع قیمت: سایت رسمی نشر آموت

### نشر آموت

تلفن: ۰۶۶۴۹۹۱۰۵ - ۰۹۳۶۰۳۵۵۲۰۱؛ اینستاگرام: [www.instagram.com/aamout](http://www.instagram.com/aamout)  
پست الکترونیکی: [aamout@gmail.com](mailto:aamout@gmail.com) / وب سایت: [www.aamout.com](http://www.aamout.com)  
حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۵-۲۲-۵ ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۵-۲۲-۵

### «کتابفروشی آموت»

تهران - بلوار مرزداران - نبش خیابان آریافر - ساختمان ۲۰۰۰ - طبقه همکف شمالی  
تلفن: ۰۴۴۲۳۲۰۷۵ - ۰۹۳۶۸۸۲۸۱۸۰ سایت کتابفروشی [aamout.ir](http://aamout.ir)

## فهرست مطالب

۷	فصل ۱- ۲۰۰۷
۱۳	۲۰۰۹
۳۱	فصل ۲
۴۹	فصل ۳
۶۹	فصل ۴
۹۰	فصل ۵
۱۱۱	فصل ۶
۱۳۳	فصل ۷
۱۵۷	فصل ۸- کامیلا
۱۶۶	فصل ۹
۱۸۶	فصل ۱۰
۲۰۳	فصل ۱۱
۲۲۶	فصل ۱۲
۲۴۶	فصل ۱۳
۲۷۱	فصل ۱۴
۲۹۳	فصل ۱۵
۳۱۶	فصل ۱۶

۳۳۴	فصل ۱۷
۳۶۵	فصل ۱۸
۳۹۰	فصل ۱۹ - نیتن
۳۹۸	فصل ۲۰
۴۲۲	فصل ۲۱ - استیون
۴۳۰	فصل ۲۲
۴۴۶	فصل ۲۳
۴۷۸	فصل ۲۴
۴۸۸	فصل ۲۵ - کاترینا
۵۰۸	فصل ۲۶
۵۲۶	فصل ۲۷
۵۲۹	فصل ۲۸ - خاتمه

وقتی از حمام بیرون می‌آید، زن هم بیدار شده است، به بالش تکیه داده و کتابچه‌ی راهنمای مسافرت کنار تختخوابش را ورق می‌زند. یکی از بلوزهای مرد را پوشیده و موهای بلندش طوری به هم ریخته که ناخودآگاه شب گذشته را به ذهن می‌آورد. مرد همان‌جا می‌ایستد و با حوله موهایش را خشک می‌کند، سرخوش از یادآوری خاطرات است.

زن سرش را از کتابچه بلند می‌کند و لب و ر می‌چیند. شاید سنش برای این کار کمی زیاد باشد، ولی مدت نه‌چندان طولانی آشنایی این فرصت را به زن می‌دهد خود را کمی لوس کند.

- حتماً باید کاری انجام بدهی که به کوهنوردی مربوط شود، یا حتماً باید توی دره‌های تنگ و باریک بچرخم؟ اولین تعطیلات درست و حسابی ماست. واقعاً کدام مسافرت است که هم می‌توانی از شر لباس خلاص شوی و هم... وانمود می‌کنی چندشش شده است. بعد ادامه می‌دهد:

- هم پشم گوسفند بپوشی.

کتابچه را پایین تختخواب می‌اندازد و دست‌های کاراملی رنگش را زیر سرمی‌گذارد. از صدای خش‌دارش پیداست ساعتی از شب گذشته را بیداری کشیده است.

- چشمه‌های لوکس آب معدنی توی بالای<sup>۱</sup> چه طور است؟ می‌توانیم روی  
 شن دراز بکشیم... حسابی از ما پذیرایی شود... شب‌های طولانی و آرام...  
 - از این جور تعطیلات خوشم نمی‌آید. حتماً باید کاری بکنم.  
 - مثلاً خودت را از هواپیما بیندازی بیرون؟  
 - تا امتحان نکردی الکی ردش نکن!  
 زن چهره درهم می‌کشد.  
 - اگر از نظرت اشکالی ندارد، ترجیح می‌دهم ردش کنم.  
 رطوبت بدن مرد، بلوزش را نمناک کرده است. موهایش را شانه می‌زند و  
 گوشی تلفن همراهش را روشن می‌کند. با دیدن تعداد پیام‌ها که پشت سرهم  
 در صفحه‌ی کوچک گوشی به حرکت درمی‌آیند، قیافه‌اش درهم می‌رود.  
 می‌گوید:  
 - خُب، حالا پاشو صبحانه بخور.  
 روی تخت‌خواب خم می‌شود و زن را می‌بوسد. زن گرما و رایحه‌ی بدنش  
 را حس می‌کند.  
 - باز آخر هفته می‌روی؟  
 - بستگی به این معامله دارد. کمی هم به هوای امروز. شاید مجبور شدم  
 بروم نیویورک. در هر صورت، پنجشنبه می‌رویم رستوران، یک شام خوب  
 می‌خوریم، انتخاب رستوران با تو.  
 لباس چرمی موتورسواری‌اش را از پشت در برمی‌دارد.  
 زن چشمانش را تنگ می‌کند.  
 - شام، با آقای بلک‌بری یا بدون او؟  
 - چطور؟  
 - آقای بلک‌بری باعث می‌شود احساس کنم سرختر هستم.

زن دوباره لب و رمی چینند.

- همیشه فکر می‌کنم شخص سومی هست که تلاش می‌کند توجهات را جلب کند.

- زنگش را قطع می‌کنم.

زن با اوقات تلخی می‌گوید:

- ویل ترینر<sup>۱</sup>، وقت‌هایی هم باید خاموشش کنی.

- دیشب خاموش کردم، نکردم؟

- زورکی.

مرد لبخند می‌زند.

- حالا می‌گویی زورکی؟

پاهایش را داخل لباس چرمی می‌کند و آن را بالا می‌کشد. بالاخره توجه مرد از لیساً<sup>۲</sup> منحرف می‌شود. کاپشن موتورسواری را روی دست می‌اندازد و همین‌طور که از اتاق خارج می‌شود، برای زن بوس می‌فرستد.

بیست و دو پیام در گوشی تلفن همراه بلک‌بری خود دارد. اولین پیام ساعت ۳:۴۲ صبح از نیویورک رسیده. مشکل قانونی پیش آمده است. سوار آسانسور می‌شود تا به پارکینگ در زیرزمین برود. تلاش می‌کند در جریان آخرین اخبار شب گذشته قرار بگیرد.

- صبح بخیر آقای ترینر.

نگهبان از اتاقکش بیرون می‌آید. با وجودی که زیرزمین از جریان باد و باران در امان است، اتاقک از نوع ضد باد و باران ساخته شده. ویل دوست دارد بداند این مرد، اول صبح، این‌جا سوی زیرزمین، وقتی به تلویزیون مداربسته و سپر براق اتومبیل‌های ۶۰۰۰۰ پوندی زل می‌زند، به چه فکر می‌کند. ویل دستش را داخل کاپشن می‌کند.



بعضی کتاب‌ها را نمی‌توان زمین گذاشت. پیشنهاد ما: کتاب «هن پیش از تو» را باید همراه با یک جعبه دستمال کاغذی فروخت.

#### آشناستید برین

«هن پیش از تو» خواننده را غافلگیر می‌کند. سوپرنایک و تأثیرشگر و امیدبخش است. کتابی که تأثیر وقت بیدار می‌دهد و صفحه به صفحه جلوی می‌رود. و نمی‌توانید زمین بگذارید.

#### نویسنده: کتاب «هن» آفران عرب»

رمانی خوشنویس، مسحورکننده و منطبق با نیازهای دنیای امروز.

#### شهره امریکایی «پلیشر» ونگلی»

عشقی پر شور، غیرممکن و آرمانگرانه.



#### رومنیک تاجز

این کتاب به ما می‌آمورد هیچ‌وقت برای زندگی کردن دیر نیست.

#### مجله‌ی «جوکیج»

نویسنده‌ی کتاب خواننده را در موقعیتی قرار می‌دهد که لشکر بران بخوندد و جلو برود.

#### سوپرک تاجز

بخوانید و لشکر بریزید.

#### مجله‌ی «گود هونینگ»

#### مریم مفتاحی

متولد ۱۳۴۴ ساری

فارغ التحصیل رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی از دانشگاه علامه طباطبائی.

مترجم رمان‌های «جو جو مویز» در ایران



ISBN 978-96446605-42-5



9 786006 605425

قیمت ۲۰۰۰۰ تومان